

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بازتایپ و ارسال: رادمان هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"  
نویسندگان: د. ک. میتروپولسکی، ی. ا. زوبریتسکی، و. ل. کروفت  
برگردان به فارسی: م. مینو خرد و ح. کامرانی  
۰۴ اپریل ۲۰۲۱

## زمینه تکامل اجتماعی

(۹)

### جامعه اشتراکی در دولت برده دار:

از چه روست که در بابل باستان، تعداد زیادی افراد آزاد در کنار بردگان به سر می بردند؟ اینان اغلب اعضای کلان ها بودند که به نظام اشتراکی ابتدائی رجعت کرده بودند.

پیش از پیدایش دولت، در زمین های حاصلخیزی که از طغیان رودخانه ها سیراب می شدند، رفته رفته سیستم آبیاری بسیار سازمان یافته و پیچیده ای به وجود آمد. اگر زمین و شبکه های آبیاری، در بین برده داران تقسیم می شد، سرانجام سیستم های آبیاری را به نابودی می کشید و باعث تنزل کشاورزی می گردید، زیرا بردگان از نتایج کار شان بهره ای نمی بردند. از این رو دولت دریافت که نگاه داشتن کلان [طائفه] سودمند است. اما این دیگر جامعه اشتراکی پیشین نبود که در آن هیچ کس استثمار نمی شد و یکی به خاطر همه کار می کرد و همه به خاطر یکی. در این شرایط جدید، دولت برده دار کلان را استثمار می کرد. اعضای کلان مانند گذشته مسؤول نگهداری و تعمیر سد ها و مجاری آبیاری گوناگون بودند، و این کار نیازمند به کوشش های دسته جمعی انسان های بسیار بود. مانند گذشته آنان می کاشتند و درو می کردند، ولی اکنون بیش ترین بخش محصول را پادشاه، کاهنان و سپاهیان از چنگ شان بدر می آوردند. عمال پادشاه پیوسته بر سیستم آبیاری رسیدگی می کردند و مراقب بودند که اعضای کلان، مالیات ها و عوارض خود را مرتب بپردازند و به این ترتیب تولید کنندگان را از بخش بزرگی از ثمرات کار شان محروم می کردند.

در برده داری های استبدادی باستانی مصر، چین، هند و دیگر کشور ها نیز چنین شرایطی وجود داشت. به رغم علاقه ای که دولت برده دار در حفظ جامعه اشتراکی کشاورزی داشت، رفته رفته آن را به نابودی می کشاند. پادشاه خود زمین های بسیاری در اختیار داشت که پیوسته با تصاحب زمین های اجتماع، به آنها افزود. قلمرو این زمین های تمرکز یافته که به یگانه حکمران دولت، یعنی پادشاه تعلق داشت، با جنگ افروزی گسترده تر می شد. پادشاه برای تحکیم موقعیت خود در اجتماع، قطعات بزرگی از زمین های خویش و یا اجتماع را به برده داران دربار خود از جمله

مأموران، رؤسای نظامی و نیایشگاه ها می بخشید. در نتیجه ثروتمند شدن برخی از افراد اجتماع و فقیر شدن دیگران، جامعه اشتراکی رو به زوال نهاده بود.

افراد آزاد، مالیات های سنگین جنسی ( فرآورده های کشاورزی و حیوانی ) و نقره به دولت می پرداختند. دارائی معینی به کاخ شاهی اختصاص داشت که از مالیات ها تأمین می شد و قانون نیز از آن حمایت می کرد. پادشاه و نیایشگاه ها، بردگان فراوانی داشتند که در خانه های ویژه ای از آنان نگهداری می کردند.

### نیروهای تولیدی در دولت های باستانی آسیا و آفریقا

در خلال پیدایش دولت های باستانی آسیا و آفریقا، نیرو های تولیدی به پیشرفت خود ادامه می دادند. استفاده از ابزار های فلزی در کشاورزی، در بابل رواج یافت. صنعتگران نیز ابزار های خود را تکمیل می کردند. در مجموعه قوانین حامورابی، به نام حرفه های گوناگون آن زمان مانند بنائی، بافندگی، آهنگری، درودگری [تجاری]، کشتی سازی، خانه سازی و غیره بر می خوریم.

در مصر نیز حرفه ها پیشرفت کردند و مردم سراسر کشور با بافندگی آشنائی پیدا کردند. دستگاه بافندگی افقی جای خود را به دستگاه بافندگی عمودی و کامل تر واگذار کرد. استفاده از دم های چرمی در کوره های مسگری آغاز شد. خیش، کامل شد و شیشه سازی پیشه جداگانه ای گردید. اکنون دیگر آجر را در کوره می پختند.

بنابر این، پیشه وران آزاد بودند، ولی بردگان به کار هایی که به مهارت چندانی نیاز نداشت و دشوار تر نیز بود، مانند کار های ساختمانی گمارده می شدند. ابتدائی ترین دستگاه های مکانیکی ساخته شد. برای بالا کشیدن سنگ های بزرگی که در ساختمان اهرام مصر به کار رفته اند، دستگاه های مکانیکی ویژه ای اختراع گردید. استفاده از آب انبار، سد و آبرسان در سیستم های آبیاری آسیا و آفریقا، نشانه ترقی تکنولوژی ابتدائی تا عصر برده داری بود. چنان که سد اسوان که بر روی رودخانه نیل بسته شد، طرح بس عظیمی بود. سبک ساختن آب انبار ها، سد ها و آبرسان ها، که اغلب از سنگ بنا می شدند، نشان دهنده تکنولوژی آن روزگار است.

هر چه داد و ستد از طریق دریا پیشرفت می کرد، نیاز به کشتی های پاروئی و بادبانی بیشتر می شد. صنایع نظامی ترقی می کرد و در جنگ ها از ارابه های جنگی و قلعه کوب استفاده فراوان می شد. کشتی های نظامی به نوعی سلاح مجهز گردیدند.

### مبادله کالائی:

پیشرفت مبادله در نظام اشتراکی ابتدائی، به پیدایش یک معیار ارزش همگانی انجامید. در نواحی گوناگون، اشیاء مختلفی چون دام، پوست، چرم و عاج به عنوان معیار ارزش همگانی به کار می رفت. در نظام برده داری فلزات به تدریج نقش معیار ارزش همگانی را بر عهده گرفت. در آغاز، آهن و مس این وظیفه را انجام می داد، سپس طلا و به ویژه نقره به آنها پیوستند. پول به عنوان یک معیار ارزش همگانی و وسیله مبادله و کالای ویژه ای که در مبادله تمام کالا های دیگر شرکت می جست، روی کار آمد. پول ابتداء به صورت شمش و میله بود و بعد ها شکل سکه به خود گرفت.

پیشرفت تجارت موجب پیدائی بازرگانان شد. اینان افرادی بودند که در روند تولید شرکت نمی کردند، و تنها به مبادله کالا بازرگانی می پرداختند و بخشی از محصولات را تصاحب می کردند. بازرگانان از محلی به محل دیگر می رفتند و گاهی نیز به سفر های دور و دراز دست می زدند.

بدین ترتیب سومین تقسیم اجتماعی کار رخ نمود.

در دولت های برده دار آسیای صغیر، یونان و چین سکه های فلزی برای نخستین بار در سده های هفتم تا ششم پیش از میلاد، مورد استفاده قرار گرفت. در چین سکه ها گرد بود و یا به شکل چاقو، شمشیر و بیل ساخته می شد. سکه های مدوری هم داشتند که در میان آنها سوراخ های گردی ایجاد می کردند. تولید کالائی، یعنی تولید اجناسی ویژه فروش یا مبادله، متداول شد.

#### **پیدایش شهر ها:**

با پیشرفت تجارت و بازرگانی، اقامتگاه های ویژه ای (به نام شهر) به وجود آمدند که محل زندگانی صنعتکاران و مکانی برای انجام معاملات گوناگون بازرگانی گردیدند. این اقامتگاه ها به مراکز صنایع و داد و ستد تبدیل شدند. شهر ها معمولاً در نزدیکی قلعه های نظامی، اقامتگاه های ثابت قبیله ای، مراکز مذهبی، چشمه ها، و در محل تلاقی راه های گوناگون بازرگانی برپا می شدند. چنان که در پایان هزاره دوم پیش از میلاد، شهر مکه در کنار یک چشمه معدنی که مردم برای نیایش حجرالاسود به آن جا می آمدند، بنیاد نهاده شد. در پایان نخستین هزاره پیش از میلاد، شهر – دولت بزرگ پالمیرا (۱) در واحه ای در مرکز بیابان سوریه و در نزدیکی راه های بازرگانی و تعداد زیادی چشمه های آب شیرین برپا گردید.

ادامه دارد

\*\*\*\*\*

#### **توضیحات:**

Palmira – (۱)